

اندیشه نیک



کردار نیک

گفتار نیک

مراسم و آیین های زرتشتی

کانون زرتشتیان:

www.webzc.com

پیشگفتار

نزدیک به چهار هزاره از پیام آوری اشو زرتشت نخستین پیام آور راستی، پاکی و یکتاپرستی می گذرد. پیامی که از سوی آن فیلسوف و دانشمند بی همتا آورده شد و در سروده های (گاتها) آن بزرگ مرد تاریخ به جهانیان پیشکش گشته است، سرشار از سادگی، پاکی و حقیقت جویی می باشد.

اشو زرتشت در هفده سروده خود، درست و زیبا زیستن و پاک و بی آلایش بودن را به گونه ای آموزش داده است که نه تنها با گذشت هزاران سال تازگی خود را از دست نداده است بلکه تا زمانی که انسان بر روی این زمین خاکی وجود داشته باشد با به کار بردن آن رهنمودها می تواند در صلح و صفا، آرامش، پاکی و حقیقت زندگی کند و جهان را آبادتر و آبادتر گرداند. پس از مرگ آن رادمرد و پیام آور بزرگ (اشو زرتشت)، موبدان و بزرگان دینی برای بهتر شناساندن و فهماندن دین یکتاپرستی به بهدینان و راه و روش آن، بنا بر نیازهای زمان و مکان، آیین و مراسمی را به بنیان های دینی افزودند که برخی از آنها رنگ و بوی زیادی به خود گرفته و از آنچه که دلیل بر انجام نیایش ها و آیین ها می بوده است، دور شدند و گروه های گوناگون زرتشتیان در محل های مختلف مراسم را به شیوه های گوناگون انجام می داده اند.

آیین ها بسته به زمان و مکان می تواند دگرگون شوند. آنچه که ماندنی و پابرجا است همان سروده ها و گفته های اشو زرتشت می باشد که بنیاد باور است و در تمام دوران تاریخ روشن کننده ی راه جویندگان راستی و درستی بوده و خواهد بود.

نوبهدینان و جوانان برای برگزاری مراسم در بین زرتشتیان خواستار آیین و مراسمی می باشند که قابل اجرا در خارج از ایران و در زمان کنونی نیز باشد. برای پاسخ به این خواسته تلاش گردیده است تا در این جا مراسم سدره پوشی، گواه گیران (عقد کنان) و پرسه (ختم) به گونه ای گردآوری گردد، که از تشریفات زیاد به دور بوده و در کمال

سادگی، زیبایی و پاکی انجام پذیر باشد. جشن ها و مراسم دیگری مانند نوروز، مهرگان، سده، و گهنبارها و ... در بین زرتشتیان مرسوم است و گرامی شمرده می شود که در نوشته ها و کتاب های دیگر به آن پرداخته شده است و برگزاری تمام آنها در بین بهدینان زیبا و شایسته است.

تاج گوهر کاویانی

بهمن ماه ۳۷۳۷ زرتشتی

مراسم سدره پوشی زرتشتیان

نشان مزدیسنا یا نشانی که یک زرتشتی را از دیگران متمایز می کند دو چیز است: - نشان درونی (باطنی): که همان اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک می باشد که هر زرتشتی می کوشد با پذیرفتن و بکار گرفتن آنها در زندگی، درون خود را پاک گردانده و به آرامش برسد.

- نشان برونی (ظاهری): که همان بر تن کردن سدره و به کمر بستن کشتی است که طی مراسم خاصی انجام می گیرد و ما در این جا بیشتر به آن می پردازیم. شرح کامل سدره و کشتی و آیین پوشیدن آن در جزوه " چگونه می توان زرتشتی شد " و " آیین سدره پوشی " آمده است.

و اما چگونه و در طی چه مراسمی یک نوجوان زرتشتی زاده و یا کسی که با انتخاب خود به دین بهی وارد می شود نوزود (۱) ، سدره و کشتی را بر تن می کند؟ آیینی را که این مراسم در آن انجام می شود " سدره پوشی " می نامیم. در گذشته ی دور بین بهدینان سن نوزود شدن پانزده سالگی بود. سپس کمتر شده و به سن (۷ تا ۱۰) سالگی تقلیل یافت که سن پیش از دوران بلوغ نوجوانان می باشد.

اما اکنون هرگاه شخص در خود این آمادگی را بیابد می تواند سدره پوش شده و زرتشتی گردد.

مراسم و جشن سدره پوشی:

سدره پوشی یا تولد دوباره بصورت یک میهمانی در بین خانواده و دوستان جشن گرفته می شود. حاضران در جشن به دور یک سفره سفید و یا میزی که رومیزی سفیدی بر روی آن پهن شده و چهار گوشه ی آن با چهار چراغ و شمع روشن، تزیین یافته باشد، نشسته و منتظر فرد سدره پوش شونده (نوزود) می شوند.

وسایل دیگری که بر روی سفره لازم است:

- یک آفرینگان (مجموعه) آتش

- یک ظرف از خوشبو کننده ها. مانند صندل، لبان و چوب عود

- یک سینی پر از میوه جات خشک. مانند پسته، گردو، بادام، قیسی، برگه زردآلو، نارگیل،

سنجد و ... که به آن لرک می گویند. روی لرک را با نقل و شیرینی می توان تزیین کرد.

- یک گلدان گل و برگ سبز

تمام این لوازم را روی سفره می گذارند.

"نوزود" به حمام رفته، سدره خود را پوشیده و بر روی آن لباس راحتی که بتوان کشتی را

بر روی سدره ببندد به تن می کند و به همراه موبد به سر سفره می آید.

"نوزود" روبروی خورشید و یا نور می ایستد و موبد روبروی او.

آیین خواندن اوستا و بستن کشتی توسط موبد انجام می گیرد و سپس موبد اوستای

تندرستی را به نام "نوزود" می خواند و بر سر و روی آن آویشن، نقل و برنج می ریزد.

در این هنگام مراسم مذهبی سدره پوشی پایان یافته است. اکنون افراد خانواده، بستگان و

دوستان به سدره پوش شونده شادباش گفته و هدایایی نیز به او اهدا می کنند. در پایان "

لرک " سر سفره، بین میهمانان پخش شده و به جشن و سرور می پردازند و در این هنگام است که می توان گفت یک نوزاد جدید به دنیای زیبای زرتشتی پا نهاده است.

توضیح:

در میان زرتشتیان ایرانی آیینی وجود دارد به نام " نوزوتی " که در آن یک موبد تازه با گذشتن از مراسمی به جرگه ی موبدان وارد می شود. " زوت " از ریشه (Zaotar) اوستایی است و نام موبدی است که در برگزاری مراسم یسنا، موبد اصلی بوده است. از این رو نوزوت در فرهنگ ایرانی یعنی " موبد تازه ". " نوزود " که همان نوزاد می باشد به کسی می گوئیم که با پذیرفتن دین بهی مانند نوزادی در دنیای دین زرتشتی چشم می گشاید. لازم به یادآوری است که پارسیان در فرهنگ خود نام مراسم سدره پوشی را (نوجوت Novjot) گویند که نبایست با " نوزوتی " اشتباه شود.

آیین و مراسم زناشویی در بین زرتشتیان

در دین بهی و فرهنگ ایران باستان، تفاوتی بین دختر و پسر نبوده و نیست. بنابراین دختر و پسر هرگاه به سن قانونی رسیده و نسبت به یکدیگر علاقه باطنی پیدا کنند، کافی است که یکدیگر را به بزرگان خود معرفی و از آنها راهنمایی خواسته و قرار خواستگاری، نامزدی و ازدواج را بگذارند.

بله برون (خواستگاری):

نخستین گام در پیوند زناشویی (پس از انتخاب) خواستگاری است که گرفتن اجازه و رضایت پدر و مادر دختر، از طرف خانواده پسر می باشد. پس از صحبت کوتاهی بین دو خانواده، قرار روزی مشخص گذاشته می شود. مادر، پدر و خواهر بزرگتر و گاهی چند تن

از بزرگان برای خواستار شدن دختر مورد نظر، از پدر و مادر او، به همراه ظرفی از نقل که روی آن با دستمال سبزی پوشیده باشد، چراغ و یا لاله ای روشن، یک عدد آینه و سبدی گل (که بیشتر گلدانی از گل ریشه دار است) به خانه دختر می روند.

هر کدام از این چیزها فلسفه ای دارد:

نقل نشانه ای از شیرین کامی است و دستمال سبز نیز در بین زرتشتیان بسیار رواج دارد، که آن هم نشانی از سبز بختی و خوشبختی زوج آینده است. چراغ روشن هم نشانه ای از روشنایی و نور در دین بهی است و گل ریشه دار هم به منظور ریشه دار شدن زندگی آینده زوج جدید می باشد.

روز خواستگاری به صحبت هایی در مورد روز نامزدی، تاریخ گواه گیران و روز عروسی و خرید برای این مراسم (با توافق طرفین) می گذرد. (در دین بهی مهریه، شیر بها و از این قبیل مراسم وجود ندارد) به همین جهت در مورد مهریه و شیربها و... در مراسم خواستگاری (بله برون) صحبتی پیش نمی آید، بلکه بیشتر منظور، آشنایی دو خانواده و بستگان با یکدیگر و جشن و سرور می باشد. ضمناً در گذشته های دور طلاق نیز در دین بهی وجود نداشت.

پس از گرفتن رضایت از پدر و مادر دختر و بله از عروس آینده، همگی با نقل دهن خود را شیرین می کنند و از جانب فامیل عروس پذیرایی مختصری صورت می گیرد. رسم است که جواب مثبت از طرف دختر و بزرگان او نیز، توسط ظرفی از نقل که روی آن با دستمال سبز پوشیده باشد، در انتهای برنامه بله برون به بستگان عروس داده شود، و یا جشن مشابهی در خانواده داماد برگزار شده و ظرف نقل نیز به همراه برده می شود.

مراسم نامزدی

مراسم نامزدی، از جانب خانواده عروس تدارک دیده می شود. تاریخ روز جشن و وسایلی (مانند حلقه نامزدی، یک قواره پارچه لباس برای عروس، و پارچه کت و شلوار برای داماد و یا ...) که برای روی نامزدی باید خریده شود با توافق دو خانواده در روز بله برون مشخص شده است. عروس و داماد آینده به همراه نمایندگان (یک یا دو نفر که از جانب خانواده تعیین شده است) برای خرید به بازار می روند.

روز نامزدی، در منزل دختر و یا در محلی که تعیین شده است، جشنی برقرار می شود. داماد آینده با بستگان نزدیک خود، به همراه یک کیک نامزدی، گلدان گل، حلقه و یا لوازم دیگری که خریده شده در بین استقبال خانواده عروس و گفتن دسته جمعی " هایپرو شاباش" به محل جشن می آیند. واژه " هایپرو" همان هورا است که مشخص نیست چرا به هایپرو تبدیل گشته است و " شاباش" نیز همان شاد باش است. در جشن ها و شادی های زرتشتیان هایپرو شاباش که به صورت دسته جمعی گفته می شود بسیار معمول می باشد).

پس از آمدن تمام میهمانان، با اجازه گرفتن از بزرگان، در بین شادی و گفتن " هایپرو شاباش" عروس و داماد آینده حلقه های نامزدی را به انگشت یکدیگر می کنند و در این هنگام از جانب پدر و مادر داماد به عروس، و از جانب پدر و مادر عروس به داماد هدیه ای (که بطور معمول گردنبندی از فروهر می باشد) داده می شود. و سپس با نقل و شربت دهان یکدیگر را شیرین می کنند و از سایر میهمانان پذیرایی می شود و با شادی و سرور جشن ادامه پیدا می کند.

مراسم گواه گیران (عقد):

با شکوه ترین و زیباترین قسمت مراسم زناشویی، آیین گواه گیران است. که باز با توافق دو خانواده (بزرگان عروس و داماد) خریدهایی صورت می گیرد از قبیل انگشتر عروسی،

پارچه، یکدست لباس، کیف و کفش، وسایل حمام، لوازم آرایش و... که هیچکدام از آنها اجباری نیست و با انتخاب طرفین بین همدیگر رد و بدل می شود و معمولاً هم، در شب قبل از مراسم گواه گیران که به نام "حنابندان" معروف است، انجام می گیرد. از آن رو به آن شب حنابندان گفته اند که در روز قبل از عروسی (گواه گیران) عروس و داماد را با مراسم خاصی توسط جوانان خانواده به حمام می بردند و در همان شب به دست و پاس عروس و داماد حنا می بستند، که این کار بجای آرایش امروزی بکار می رفته است و گفته می شد که شگون دارد. و به همین خاطر هم، آن شب را، شب حنابندان نامیده اند. در مراسم آن شب نیز در منزل عروس جشن و پایکوبی و سرور بسیار انجام می پذیرفته است. در محلی که مراسم گواه گیران انجام می گیرد، میزی که بر روی آن رومیزی سفید زیبایی گسترده شده است با وسایلی که لازم است تا بر روی میز گواه گیران باشد، با سلیقه بسیار تزیین می گردد.

سفره ی گواه گیران در سنت زرتشتی

- این سفره همسری و شادی می تواند در بردارنده ی چیزهای زیر باشد:
- نور و روشنایی: به گونه های در دسترس مانند: لاله، شمعدان (شمعی یا برقی) و...
 - گل: به گونه ها و شیوه های گوناگون بر پایه ی خواست ها و سلیقه ها
 - شیرینی: که در این سفره به گونه ی ظرفی از نقل سفید می باشد.
 - لرک: سینی پر از لرک که شامل ترکیبی از مغز بادام، مغز پسته، کشمش آب نبات، قیسی خشک، برش های نارگیل و میوه های خشک و شیرین دیگری
 - کله قند سبز (که در خارج از ایران کمتر موجود می باشد)
 - شاخه های سرو
 - کتاب دینی (گاتها)
 - کشتی (بندی که زرتشتیان به نشانه ی زرتشتی بودن بر کمر می بندند)
 - یک سینی در بردارنده: یک انار شیرین، یک تخم مرغ، یک قیچی، نخ و سوزن، یک

ظرف کوچک از ترکیب آویشن و نقل

- یک دانه سیب که چندین سکه ی نقره در آن فرو کرده اند

چیزهایی که در بالا یاد شده، دارای تفسیرها و معنی هایی هستند که می توان به چند نمونه از آنها اشاره کرد:

نور و روشنایی که نشان از روشنایی زندگی، خرد، روشنایی درون، حقیقت و اهورامزدا دارد. نور سرچشمه جنبش، زندگی و توانایی می باشد. آئینه نیز نشان روشنایی است. گل و شیرینی و برگ سبز، نشان از شادی و شیرین کامی و سبزبختی و زیبایی دارند. به ویژه شاخه های درخت سرو که همواره سبز بوده و در فرهنگ ایرانی نشانواره ی همیشه سبزی، و راستایی و پایداری در زندگی می باشد.

در ضمن شیرینی ها می توانند در توری های کوچک و با سلیقه بسته بندی شده و به وسیله همسران جوان میان میهمانان پخش شود تا آنان را نیز در شیرین کامی و شادی خود شریک نمایند.

کتاب گاتها و کشتی که نشانواره های دین زرتشتی می باشند.

انار، چون دانه های زیادی دارد نمودار درخواست فرزندان زیاد و سرانجام و فرجام نیکو برای عروس و داماد است و شیرینی آن نیز به همان معنای شیرین کامی و کامیابی در زندگی است.

تخم مرغ نموداری از اختیارات و سرپرستی پدر و مادر از فرزند است. تخم مرغ سر میز گواه گیران را پس از مراسم به بیرون از منزل انداخته و می شکنند (به اصطلاح از بام به بیرون پرتاب می کنند) به این مفهوم که پدر و مادر آن عروس و داماد، قول می دهند که دیگر هیچ گونه دخالتی در زندگی آنها نکنند و تنها وقتی که عروس و داماد خواستند، مشاور و رایزن آنها باشند.

قیچی، دو لبه دارد و هر لبه ی آن بدون دیگری بُرشی ندارد و برای بریدن، باید هر دو لبه

با هم بکار گرفته شود. از این رو قیچی نمودار همکاری و همدلی زن و شوهر است که باید همواره در هر کار به هم یاری نموده تا نتیجه خوب بدست آورده و خوشبخت گردند. نخ و سوزن نشانه آن است که اگر خدای ناکرده جدایی و اختلافی در زندگی خانوادگی نمایان شود می بایست بی درنگ با نخ و سوزن معنوی جدایی ها را بهم آورد و از بیشتر شدن آن جلوگیری کرد.

سنجد که نمودار عشق و شور جوانی است و آویشن نیز نمودار سرسبزی و سودمندی و پاک‌ی می باشد. و سرانجام سکه در سبب که نشانواره ای از آرزوی تندرستی و ثروت برای عروس و داماد است، زیرا سبب سمبل تندرستی و شادابی و سکه نشانه ثروت می باشد. عروس و داماد در میان "هایبرو شاباش" حاضرین و میهمانان پشت میز گواه می نشینند و موبد هم در مقابل آنها قرار می گیرد. نخست موبد با پرسیدن اجازه از بزرگان و گرفتن بله از عروس (که بطور معمول بعد از سه بار پرسش، عروس بله را می گوید) گواه آن دو زوج خوشبخت را در مقابل اهورامزدا و در پناه گفته های اشو زرتشت، می گیرد و سپس با خواندن اوستای تندرستی و پاشیدن آویشن و برنج بر دوش عروس و داماد، برای آنها آرزوی سعادت و خوشبختی می نماید (در هنگام گواه گیران پارچه سبزی به نشانه سبزیختی، بر روی دوش عروس و داماد انداخته می شود)

پس از آن عروس و داماد انگشتر عروسی را به دست یکدیگر کرده و با نقل و شربت دهان یکدیگر را شیرین می کنند. در همان هنگام، چنانچه پدر و مادر عروس و داماد مایل باشند هدایایی از قبیل ساعت، گردنبند، سکه طلا و... به آنها هدیه کنند، این کار را انجام می دهند. سایر بستگان و دوستان در روز بعد "روز پاتختی" هدایای خود را به عروس و داماد خواهند داد.

پس از مراسم گواه گیری، با پذیرایی از میهمانان و شادی و سرور و پایکوبی جشن عروسی ادامه خواهد یافت. پس از بریدن کیک عروسی، و خوردن آن، در پایان جشن، عروس و داماد را در میان شادی و گفتن "هایبرو شاباش" به حجله می رسانند. این مرحله

را به اصطلاح "مراسم عروش کشان" می گویند. در آنجا نیز عروس از داماد هدیه ای دریافت کرده و پدر عروس و یا بزرگتری که در آنجا حضور دارد، آنها را دست به دست یکدیگر داده و آن دو زوج سعادت مند را تنها می گذارند.

مراسم پاتختی:

مراسم پاتختی که در روز بعد از روز گواه گیران و یا عروسی می باشد، به عهده خانواده عروس است (و یا طبق توافق دو خانواده، مشترکاً برگزار می شود)، آنهم، جشن زیبایی است که بستگان و دوستان عروس و داماد با در دست داشتن هدیه ای که برای آن دو زوج تهیه دیده اند به مجلس جشن می آیند و سپس عروس و داماد در میان "هایرو شاباش" میهمانان و حاضرین به سالن جشن آمده و در بالای مجلس و پشت میزی که با آینه و شمعدان، گل، شیرینی و ... تزیین یافته قرار می گیرند. پس از پذیرایی، نمایندگان (و کلای) عروس و داماد به میان مجلس آمده و با شادی و کمی شوخی هدیه هایی را که میهمانان به آنها پیشکش کرده اند باز نموده و عروس و داماد از آورنده هدیه سپاسگزاری می نمایند. پس از آن با شربت، شیرینی و گاهی آش رشته و شام از میهمانان پذیرایی می گردد و تمام آن شب با پایکوبی و شادی می گذرد. معمولاً آش رشته را در همان مجلس می پزند و اولین رشته های آش را هم عروس و داماد به نشانه خوشبختی در زندگی آینده شان، در دیگ می ریزند.

آیین درگذشتگان در دین زرتشتی

دانش دین و دانش روز به ما می آموزد که در این جهان هیچ چیز از بین رفتنی نیست و هر چه هست دگرگونی و تغییر شکل و فرم است. هیچ انرژی و نیرویی از بین نرفته و تنها به شکل های دیگر انرژی دگرگون می شود. ماده نیز، که خود شکلی از انرژی است با تجزیه و ترکیب خود با ماده های دیگر تغییر شکل می دهد. بنابراین انسان نیز که بنیان

های تشکیل دهنده ی او تن و جان و روان می باشند در چهار چوب همین قانون مندی قرار می گیرد زیرا که او نیز بخشی از این آفرینش می باشد.

آیینی که در دین زرتشتی برای درگذشتگان برگزار می شود با باور به دو اندیشه است:

۱- دگرگونی شکل تن

۲- جاودانی روان

می دانیم که پس از روی دادن پدیده ی “مرگ” که به راستی معنی و مفهوم آن “دگرسانی” یا “زایش دوباره” و یا “ادامه و پیشروی” می باشد، دگرگونی های زیر در تن یا بدن روی می دهد:

۱- دگرگونی تن:

تن که تشکیل شده است از مقداری گوشت، پوست، استخوان، رگ، پی و غیره در زمان بسیار کمی پس از مرگ بر اثر گرما، نم، باد و هوا و کارکرد جانوران و حشره ها پوشیده و پلاسیده شده و به شکل عنصری تجزیه شده و هر عنصری به سرچشمه ی خود باز می گردد و یا پس از ترکیب شدن با دیگر چیزها، جسم جدیدی را می سازند ولی به هر روی کوچکترین ذره ی آن از بین نمی رود و نابود نمی شود.

جان، نیروی جنبش بدن بوده و به سان دیگر نیروها مانند گرما و برق، آغاز و انجامی دارد. وجود این نیروها از پایه، بستگی به دستگاه های تولید کننده ی آنها دارد که اگر آن دستگاه از هم بپاشد، دیگر آن نیرو تولید نمی شود. بدن ما هم همین حالت را دارد و هنگامی که یکی از عضوهای بنیادین آن خراب شده و از ترتیب خودش خارج شود، دیگر نیروی جان تولید نمی شود.

۲- جاودانی روان:

گفتیم که در این جهان هیچ چیز از بین نمی رود. روان انسان نیز در چهارچوب همین قانونمندی اشایی قرار دارد. “روان” یک نام گذاری کلی است از مجموعه ی نیروها و پدیده هایی که “درون انسان” را تشکیل می دهند یعنی: من، دین یا وجدان، بئودا، سروش

و فروهر که اینها همه بخش هایی هستند از دو نهاد یا ضمیر خود آگاه و ناخود آگاه که از این دو نیز می توان با عنوان کلی "آگاهی" نام برد.

پس از رویداد پدیده ی دگرسانی، فروهر که از سرچشمه ی خود یعنی اهورامزدا برای راهنمایی و روشن نمودن راه پیشرفت در درون انسان عمل می کرد به سرچشمه ی خود باز می گردد. و می ماند "آگاهی" که "وجدان" را در خود دارد و این وجدان که به راستی نتیجه و برآیند زندگی انسان است، درجه و پایه ی تکاملی روان را در این هنگام روشن می نماید که همین آغازی است برای ادامه ی راه تکاملی آن در دنیایی دیگر. آیینی که زرتشتیان برای بدرود با درگذشتگان انجام می دهند بر پایه این باور است که بازماندگان می خواهند رفتن روان در گذشته، به پشتیبانی و همکاری آنان با آسودگی بیشتری انجام گیرد.

در کار پاکیزه کردن بدن در گذشته، و انتقال آن به واپسین جایگاه تن، موبدان نماز زمزمه می کردند و به ویژه در هنگام بردن در گذشته از خانه به آرامگاه، موبدان به زمزمه "اهون وئیتی" (بخش نخست گاتها) می پردازند که زرتشتیان ایران آن را "یشت گاهان" می نامند. باور بر این است که زمزمه ی گاتها روان در گذشته را که هنوز در این جهان است نیرو می بخشد و به بازماندگان هم، راه زندگی درست را گوشزد می کند. باور بر این است که امواج ناشی از این زمزمه، اثری ناگفتنی بر روان "در گذشته" و بازماندگان پدید می آورد.

باور بر این است که روان در گذشته در سه روز، زیر راهنمایی "سروش" در این جهان می ماند. از این رو نمازهای ویژه در سه شب برای آسایش روان و خشنودی سروش خوانده می شود.

در روز و شب نخست این مراسم که به وسیله موبدان در خانه ی در گذشته انجام می شود خویشان در گذشته هم شرکت می کنند. پس از غروب آفتاب موبدان نماز "آفرینگان" می خوانند. از بامداد روز بعد تا سه روز این نمازها در نیایشگاه بوسیله موبدان خوانده می شود.

باور بر این است که این نمازها روان در گذشته را در انتقال از این جهان به جهان دیگر یاری می دهد. در پگاه روز چهارم پیش از برآمدن آفتاب، خویشان و دوستان در گذشته به نیایشگاه می روند و به یاد خویشاوند در گذشته و برای آسایش روان او، اهورامزدا را ستایش می کنند و همچنین در آنجا با موبد پیوند می گذارند که پس از آن نیز برای روان در گذشته نیایش کرده، روان او را از یاد نبرند. پس از روز چهارم مراسمی هم در روز دهم، روز سی ام (ماه) و سر سال برای روان در گذشته برگزار می شود.

خانواده های دین دار پس از آن هر سال، تا سی سال، مراسم دینی را هر اندازه هم که کوتاه باشد برای در گذشته انجام می دهند. و نیز باور بر این است که روان در گذشتگان سالی پنج روز پیش از نوروز و سپس در روز فروردین و فروردین ماه (که آن را فرودگ می نامند) از بازماندگان خود در این جهان دیدار می کنند و از این رو در آنروزها بازماندگان نیز آیین های ویژه ای برپا می کنند.

این باورها، خواه با دانش امروز پذیرفتنی باشد یا نه، آرامش بخش بازماندگان است که عزیز خود را از دست داده اند و نیز مردم را آگاه می کند که از مرگ گریزی نیست. از این رو چه بهتر است که با راستی و اندیشه و گفتار و کردار نیک زندگی کرد و بهره خوب آن را دریافت داشت.

نیاز به یادآوری است که در گذشته این آیین های سنتی بویژه مراسم روز سوم و چهارم برای حضور یافتن دوستان و آشنایان و همدردی با بازماندگان بسنده می بود ولی در چند دهه ی گذشته، مجلسی با نام پرسه (۱) اغلب در پسین روز سوم (۲) در گذشت، برگزار می شود که این دیدار همگانی در این مجلس انجام می شود.

ناگفته نماند، بنابر فلسفه ای، خوردن گوشت همراه با سوگواری و گریه در بدن تولید سم می نماید. از روز نخست تا روز سوم، نزدیکان در گذشته، غذای بدون گوشت می خورند و در غروب مراسم روز سوم، با خوردن سوپی که مرسوم است و آنرا با سبزی خوشبو و ضد عفونی کننده ای به نام (سدو Sedou)، سیر، پیاز، نعناع و جعفری می پزند، خوردن

غذاهای گوشتی را دوباره آغاز می کنند.

توضیحات:

(۱) “ پرسه ” مجلس یادبودی است برای خواستار شدن آمرزش روان در گذشته و آرامشی است برای بازماندگان.

(۲) در دین زرتشتی، همان روز جدا گشتن روان از بدن، روز نخست در گذشت به حساب می آید. چنانچه بین روز مرگ و به خاکسپاری به دلایلی روزهایی بگذرد، آن روزها، روزهایی بعد از مرگ حساب می شود.



www.zoroaster7.persianblog.com